

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

آمارمخدوش درباره ناترازی بنزین

دولت مسعود پزشکیان روز ۱۵ آذر سال گذشته تصمیم بنزینی خود را اجرا کرد که طبق آن، این فرآورده سه نرخی شد؛ به طوری که سهمیه اول، ۶۰ لیتر بنزین با نرخ ۱۵۰۰ تومان، سهمیه دوم، ۱۰۰ لیتر با نرخ ۳۰۰۰ تومان و استفاده از کارت جایگاه با نرخ ۵۰۰۰ تومان بود. در پایان سال گذشته، میزان سهمیه دوم به ۷۰ لیتر و در تیرماه امسال به ۵۰ لیتر کاهش یافت. طبق این تصمیم، به خودروهای نوشماره دیگر سهمیه بنزین اول و دوم تعلق نمی گیرد و باید با نرخ سوم سوخت گیری کنند. با این حال، مسئولان دولت چهاردهم طی یک سال اخیر بارها ارقام متفاوتی درباره نیاز کشور به واردات بنزین و ناترازی این فرآورده مطرح کرده اند.

۴



آبراهام لینکلن، ناتوان در جنگ فرسایشی

۶

دیپلماسی علیه هرمز

۲



کامیون غذا، آخرین پناهگاه ترامپ

محسن پوردادفر
روزنامه نگار

صفحه ۳

سیاسی

نوبت بازگشت به مجلس

پس از چند ماه عدم برگزاری جلسات علنی مجلس و حواشی جلسات مجازی و با به شکست انجامیدن مذاکرات و تغییر دبیر شورای عالی امنیت ملی، نمایندگان انتظار دارند تا از این پس تمرکز قالیباف بر اداره مجلس بیشتر شود.

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

پیروزی در میدان؛ آزمون در سیاست

پس از ۳۹ روز نبرد در موج نخست جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و ۱۷ روز درگیری در موج دوم، نشانه های متعددی از فرسایش توان تهاجمی و دفاعی دشمن منتشر شده است؛ از بحران موشک های رهگیر پاتریوت تا فشار کم سابقه بر بازار نفت.

احتمالاً کسی تصور نمی کرد کار به جایی برسد که رئیس جمهور آمریکا برای فرار از تهدید، از ایرفورس وان پیاده شود، سوار کامیون حمل غذا شود و با هواپیمای دیگری از کشور فرار کند. اما ترامپ نشان داد که در دنیای پراز دشمنی که خودش برای آمریکا ساخته، حتی آرامش هم دیگر سهم او نیست. ظاهراً باید هر شب پیش از خواب، علاوه بر بالش و پتو، مسیر فرار اضطراری اش را هم چک کند!

متن کامل در صفحه ۷

افشاگری یک نماینده مجلس از نامه وزارت امور خارجه به نمایندگان برای عدم تصویب قانون تنگه هرمز

دیپلماسی علیه هرمز

قانونی شدن تنگه هرمز شده است. اقدامی که در کنار تعطیلی صحن علنی مجلس منجر به خنثی گردیدن دست برتر کشورمان در مواجهه با دشمن شد و این در حالی است مجلس سنای آمریکا با تشدید تحریم‌ها به کمک تیم مذاکره‌کننده خود آمده است.

در حالی که رهبر معظم انقلاب در پیام «روز ملی خلیج فارس» بر لزوم مدیریت راهبردی تنگه هرمز و برچیدن بساط سوءاستفاده دشمنان از این آبراه تأکید فرموده‌اند، تازه‌ترین اظهارات نماینده مردم اهواز در مجلس نشان می‌دهد که وزارت خارجه در برابر این فرمایش مهم صف‌آرایی کرده و مانع تصویب



شدن فرآیند تصویب قانون مدیریت راهبردی تنگه هرمز است. موضوعی که در بحبوحه فضای التهاب‌آمیز خبری در آن زمان ماجراراپیچیده برانگیز کرده بود. به تعبیری دیگری به نظر می‌رسد این نامه در زمانی به هیأت رئیسه مجلس رسیده است که مردم کشورمان هیچگونه اطلاع و شفافیتی از اخبار مذاکرات و اقدامات تیم مذاکره‌کننده نداشته‌اند و اکنون علل تعلل و عدم تصویب این قانون مشخص شده است.

گفتنی است که محمد باقر قالیباف رئیس مجلس و رئیس تیم مذاکره‌کننده درباره تنگه هرمز اظهار گفت است: «ما نباید تنگه را به ضد خودش تبدیل کنیم؛ تنگه زمانی ارزشمند است که روز به روز تردد در آن بیشتر باشد نه کمتر؛ ما نباید در تنگه کاری کنیم که کشورها به سمت مسیرهای دیگر و جایگزین بروند.»

که البته باید یادآوری کرد که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌عظیم‌مجبنی خامنه‌ای درباره اهمیت تنگه هرمز و اعمال مدیریت بر آن فرموده بودند: «ایران اسلامی با شکر عملی نعمت اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه‌ی خلیج فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوء استفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه بر خواهد چید. قواعد حقوقی و اعمال مدیریت جدید تنگه هرمز، آسایش و پیشرفت را به نفع همه‌ی ملت‌های منطقه رقم خواهد زد و مواهب اقتصادی آن، دل ملت را شاد خواهد کرد.»

داشت: «ما باید به گونه‌ای اقدام کنیم تا از موضع بالا و قدرت در برابر دشمن قرار بگیریم» توضیحات نماینده اهواز پیرامون ورود وزارت خارجه در تصویب نشدن قانون تنگه هرمز در حالی مطرح شد که سنای آمریکا در هفته گذشته ۱۷ مردادماه، با ۸۶ رأی موافق در برابر ۱۱ رأی مخالف، طرح «تحریم روسیه و ایران» را تصویب کرده است.

در واقع سنای آمریکا با تشدید تحریم‌ها علیه کشورمان دست قوه مجریه و مذاکره کنندگان آمریکایی را در برابر کشورمان پرکرد؛ اما از سوی دیگر نیز وزارت امور خارجه نیز با عقیم کردن مجلس باعث از کار انداختن مهم‌ترین اهرم راهبردی کشورمان شد. البته باید تصریح کرد که تعلل و کارشکنی هیأت رئیسه مجلس در عدم بازگشایی صحن علنی مجلس در این ماجرا بی تأثیر نبوده است.

پیش از این نیز ظهوریان نماینده مردم مشهد در مجلس درباره خطای محاسباتی وزارت امور خارجه پیرامون بستن یا نبستن تنگه هرمز گفته بود: «دوستان وزارت خارجه قبل از جنگ تحلیل‌های غلطی داشتند و معتقد بودند بستن تنگه هرمز امکان پذیر نبوده و استدلال داشتند که بستن تنگه هرمز به نفع آمریکا است و در صورت انسداد آن، چینی‌ها به ما حمله خواهند کرد.»

نکته قابل تأمل دیگری که از اظهارات نماینده مردم اهواز در مجلس استنباط می‌شود، مشخص شدن علل طولانی

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

روز گذشته مجتبی یوسفی نماینده مردم اهواز در مجلس، با حضور در اجتماعات مردمی به پشت پرده علل معطل شدن تصویب قانون تنگه هرمز پرداخت و اظهار داشت: «از همان ابتدا که بحث قانون مدیریت راهبردی تنگه هرمز در مجلس و در جریان جنگ ۴۰ روزه توسط برخی نمایندگان مطرح و طرح اولیه آن آماده شد، وزارت امور خارجه نامه‌ای نوشت که اجازه بدهید در مجلس قانونی تصویب نکنید تا ما با طرف عمانی تفاهم‌نامه بنویسیم.» یوسفی تصریح کرد: «در این نیروهای مسلح ما بودند که دشمن را به زانو درآوردند و انرژی را مدیریت کردند» وی در ادامه با بیان اینکه نمایندگان مجلس در همان زمان هشدار داده بودند که این اقدام وزارت خارجه یک خطای محاسباتی و به معنای فرصت دادن به دشمن است، افزود: «با اقدام وزارت امور خارجه به دشمن اجازه داده شد که با در پیش گرفتن راه‌های موازی و باز نشدن تنگه هرمز، بتوانند مدیریت انرژی را در دست بگیرد و ذخایر نفت، کدو، آل آن جی و... تقویت کند و در نتیجه قیمت نفت پایین آمد و اینگونه دست برتر ما از ما گرفته شد.

یوسفی در پایان تأکید کرد که در شرایط کنونی باید روند قانونی شدن تنگه هرمز تسریع شود تا دست تیم مذاکره‌کننده ما در مقابل دشمن پر شود. وی تصریح

خبر کوتاه

آیت‌الله علم‌الهدی: ناامیدی دشمن از جنگ به معنای پایان دشمنی نیست

آیت‌الله علم‌الهدی با بیان اینکه دشمن ممکن است از ادامه جنگ به شیوه نظامی ناامید شده باشد، تصریح کرد: مسئله اصلی این است که آیا با ناامیدی دشمن از جنگ، دشمنی او نیز پایان پیدا می‌کند؟ پاسخ روشن است؛ شکست دشمن موجب پایان عداوت او نمی‌شود، بلکه دشمن پس از شکست، با انگیزه بیشتری برای جبران آن وارد میدان خواهد شد. وی افزود: دشمن درصدد است شکست خود را جبران کند و علاوه بر آن، عداوت و دشمنی خود را با ملت ایران تشدید کند و جامعه، نظام اسلامی، عزت کشور و اساس زندگی مردم را هدف قرار دهد. نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی خاطرنشان کرد: دشمن اگر در یک میدان نتواند به نتیجه برسد، روش خود را تغییر می‌دهد و تلاش می‌کند با استفاده از ظرفیت‌های داخلی، اختلافات اجتماعی و سیاسی و ایجاد آشوب، همان هدفی را که از طریق جنگ دنبال می‌کرد، از مسیر دیگری محقق کند.

خاندوزی: تغییر کربدورها و مبادی واردات، ایران را تحریم ناپذیر می‌کند

سید احسان خاندوزی، وزیر اسبق اقتصاد دولت شهید رئیسی گفت: برای جلوگیری از حملات و تحریم‌های آینده، دو راهبرد وجود دارد: یا در جنگ چنان محکم بچنگیم که دشمن با هزینه‌های سنگین پشیمان شود، یا در پساجنگ، مناسبات اقتصادی را به سمت مسیرهای غیرقابل تحریم (تغییر کربدورها، مبادی واردات و روش‌های تسویه ارز) تغییر دهیم. وی افزود: پس از جنگ رمضان، ابهت آمریکا شکسته شده و کشورهایی مانند روسیه، چین و اعضای بریکس مواضع خود را تغییر داده‌اند؛ ایران می‌تواند با بهره‌گیری از این فضا، به نقطه‌ای برسد که جنگ و تحریم دیگر ابزار مؤثری برای فشار بر آن نباشند.

فاطمه آلیا: تصویب کنوانسیون خزر خلاف منافع ملی است

عضو شورای مرکزی جبهه پایداری در پاسخ به پرسشی درباره چرایی عدم تصویب این لایحه در شرایط فعلی، اظهار داشت: لایحه مذکور که با قید فوریت در جلسه مورخ ۳۱ تیرماه ۱۴۰۵ دولت به تصویب رسید و برای طی تشریفات قانونی به مجلس ارسال شد، باید به فوریت هم در مجلس رد و یا به دولت مسترد گردد. چرا که لایحه ناقص است و باید تکمیل شود. وی افزود: در این کنوانسیون که در سال ۲۰۱۸ میلادی و ۱۳۹۷ شمسی در دولت آقای روحانی در بندر آکتائوی قزاقستان به امضای رؤسای جمهور پنج کشور ساحلی دریاچه مازندران رسید، بند مربوط به «تعیین حدود و ثغور بستر دریا» حذف و پرداختن به آن به مذاکرات آینده نامعلوم موکول شد. وی در ادامه تصریح کرد: قرار شفاهی گذاشته شد که در مدت زمان شش ماه چهار موافقتنامه حول محورهای اختلافی و موارد مناقشه تاریخی مربوطه تدوین و به لایحه مذکور ملحق کنند که متأسفانه دولت وقت کوتاهی کرده و چون چهار موافقتنامه تدوین و الحاق نشده، لایحه ناقص و تصویب آن خلاف منافع ملی و خسارت محض برای ملت ایران است.

ثابتی: برخی از مسئولان به دنبال کمرنگ کردن ادبیات انتقام هستند

نماینده مردم تهران در مجلس گفت: برخی مسئولان با مطالبه انتقام توسط مردم مخالفت می‌کنند و می‌گویند چرا در دست مردم پرچم‌های سرخ داده‌اید؟ وی افزود: مردم نباید اجازه دهند مطالبه انتقام کمرنگ شوند

پاستور

ادامه خطای محاسباتی دولتی‌ها درباره تفاهم‌نامه

روز پنجشنبه ۲۲ مردادماه مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس‌جمهور طی اظهاراتی مدعی شد: «برخی جریان‌های سیاسی دستاورهای دیپلماسی را نادرست انعکاس می‌دهند» انصاری در بخشی دیگر از اظهاراتش مطرح کرده است: «چرا برخی روایتگری غلط می‌کنند؟ یک پیروزی بزرگ را که جا دارد برای آن جشن ملی بگیریم، تحت عنوان شکست روایتگری می‌کنند در حالیکه این امر نادرست است. مگر قرار است ما تا ابد بچنگیم؟ ملت ایران ملت بزرگی است، ملتی که می‌خواهد زندگی کند و زندگی خوب داشته باشد. جوان‌های ملت، همین مردمی که به خیابان می‌آیند، این‌ها زندگی دارند و می‌خواهند، زندگی کنند.» این اظهارات در حالی مطرح شد که منتقدان و دلسوزان کشور همواره بر علی‌الاصول و تأمین منافع ملی کشورمان تأکید داشته‌اند. گفتنی است که پیش از این نیز مشابه «جشن ملی» خواندن تفاهم‌نامه را محمد باقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به نیت مطرح کرده بود. قالیباف درباره تفاهم‌نامه تصریح کرده بود: «ما حتماً اجرای کامل این تفاهم‌نامه را که آن را سند افتخار خود می‌دانیم، با جدیت دنبال خواهیم کرد.» او همچنین اظهار داشته بود: «ما موظف هستیم هم گفت‌وگو کنیم و هم این تفاهم‌نامه را که سند افتخار جمهوری اسلامی ایران است، تا حصول نتیجه دنبال کنیم.» بنابراین مشخص نیست با توجه به اینکه پیش شرط‌های کشورمان در تفاهم‌نامه بویژه آزادسازی دارایی‌های ارزی و تحقق آتش‌بس درسراسر ساحت‌های مقاومت رعایت نشد و با نقض صریح ارتش تروریستی آمریکا همراه بود و همچنین دبیر شورای عالی امنیت ملی در ارتباط با این مسئله تغییر کرد؛ خواندن تفاهم‌نامه و ادامه خطای محاسباتی خود در چیست؟



خلجی: بیانات رهبر انقلاب را جامع ببینیم و بفهمیم



روز گذشته، سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم در کانال تلگرامی خود نوشت: بیانات و دستورات رهبر معظم انقلاب را باید جامع دید. به نظرمی رسد جریانی در دوران جدید تلاش دارد صرفاً بخشی از توصیه‌ها و پیامهای

رهبر انقلاب دیده و برجسته شود. این یک خطای راهبردی است. وی افزود: یکی از تأکیدات اصولی رهبر معظم انقلاب توصیه به وحدت و انسجام است. اما اگر همه دستورات ایشان در همین دو کلمه خلاصه شود و باقی تأکیدات ایشان عمداً یا سهواً در حاشیه قرار بگیرد، ظلم به رهبری است. وی همچنین ادامه داد: همین رهبری که امروز با دقت و حساسیت همگان را به وحدت توصیه می‌کند به خونخواهی امام شهید هم امر کرده‌اند، به علی‌الاصول در مذاکرات هم دستور داده‌اند، به حفظ تنگه و گرفتن غرامت از دشمن هم امر کرده‌اند، به بی‌اعتمادی به آمریکا نیز امر کرده‌اند، به حفظ خیابان هم دستور

داده‌اند، به وحدت ساحات هم امر کرده‌اند، به حضور عمارگونه مردم در صحنه هم دستور داده‌اند، به تعطیل شدن پایگاه‌های آمریکا در منطقه هم دستور داده‌اند، به تأمین معیشت مردم و زیرساخت‌های رفاهی هم تأکید کرده‌اند، به موضعگیری مقتدرانه در برابر زیاده‌خواهی مستکبران هم دستور داده‌اند، به پرهیز از هراقدامی که موجب بدبینی و سرخوردگی آحاد مردم شود هم دستور دادند و خلجی در پایان تصریح کرد: اینکه فقط یک بخش از تأکیدات رهبر انقلاب که منفعت خود یا جریانمان در آن است را برجسته کنیم و از باقی دستورات ایشان دم نزنیم خطاست.

با آشکار شدن نتایج منفی تفاهم نامه و مخصوصاً پس از تغییر معنادار دبیر شعام، انتظارات برای بازگشت قالیباف به مجلس بیشتر شد

نوبت بازگشت به مجلس

موج مطالبه نمایندگان مجلس از قالیباف برای تمرکز در مدیریت مجلس شورای اسلامی شدت گرفته است. پس از چند ماه عدم برگزاری جلسات علنی صحن و به دنبال آن برگزاری پرحاشیه جلسات مجازی و وبیناری که با موضوعاتی چون اختلالات فنی و به حد نصاب نرسیدن تعداد نمایندگان همراه بود، حالا و با به شکست انجامیدن مذاکرات و بویژه تغییر دبیر شورای عالی امنیت ملی، نمایندگان انتظار دارند تا از این پس تمرکز قالیباف بر اداره مجلس بیشتر شود.

مسئولیت‌ها را قاطی نکنیم؛ هرکس باید اول از همه، همان کاری را که به او سپرده‌اند، درست انجام دهد.

عدم حضور قالیباف در جلسات چند ماه اخیر مجلس و واگذاری اداره جلسات به نواب رئیس (نیکزاد و حاجی بابایی) علاوه بر اینکه حواشی متعددی را برای قوه مقننه کشور ایجاد کرد، شکل‌گیری برخی بدعت‌ها در روند برگزاری یکی از مهمترین قوای سه‌گانه را نیز موجب شد. از جمله آنها می‌توان به عدم حضور قالیباف در جمع نمایندگان و در مقابل حضور او در جمعی موسوم به شورای هماهنگی مجلس اشاره کرد.

دو هفته قبل، قالیباف در جمعی متشکل از نواب رئیس، اعضای هیأت رئیسه و روسای تعدادی از کمیسیون‌های مجلس حضور یافت. خبر این جلسه با عنوان شورای هماهنگی مجلس در خبرگزاری رسمی خانه ملت بازتاب یافت. موضوعی که انتقادبرانگیز شد و از جمله حسین صمصامی نماینده تهران در توییتی نوشت: در آئین نامه داخلی مجلس، چیزی به نام شورای هماهنگی وجود ندارد. هر مطلب یا موضع منتسب به مجلس، فقط با حضور همه نمایندگان مردم رسمیت دارد، نه اقلیت خاص. اگر می‌خواهید حضور ملت مبعوث شده در خیابان را به خود منتسب کنید، اسم دیگری بر این نوع کعده‌های تبلیغاتی

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار



بگذارید.

برخی حامیان رئیس مجلس، عدم حضور او در جلسات صحن را به موضوعات امنیتی مرتبط دانسته‌اند با این حال در هفته‌های اخیر جلسات متعددی با حضور قالیباف و دیگر مسئولان یا شخصیت‌های سیاسی برگزار شد که آخرین مورد آن حضور رئیس مجلس به همراه تعدادی از نمایندگان و مشاورانش در هیأتی در شهر مشهد مقدس بوده است.

هرچند حضور قالیباف در جایگاه ریاست هیأت مذاکره‌کننده با آمریکا را می‌توان به عنوان دلیلی قابل قبول برای عدم حضور موقت او در جایگاه ریاست مجلس برشمرد اما با نتایج منفی این تفاهم‌نامه و تصریح معاون وزیر خارجه به فروپاشی بندهای آن و البته با تغییر معنادار دبیر شورای عالی امنیت ملی، انتظار می‌رود تا قالیباف از این پس با انگیزه و وقت بیشتری به امورات اصلی خود در مجلس بپردازد. هرچند که تجربه نشان داده او خیلی هم تماسل به ایفای این نقش را نداشته و از جمله در خرداد ماه سال ۱۴۰۳ تنها چند روز پس از انتخاب به عنوان رئیس مجلس دوازدهم، برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری دوره چهاردهم ثبت‌نام کرد!

بدعت پشت بدعت پایان می‌یابد؟

۸ مردادماه گذشته، روزنامه نوبنیاد در گزارشی با عنوان "بدعت پشت بدعت" نوشته بود: تشکیل جلسه‌ای تحت عنوان «شورای هماهنگی مجلس» در نوع خود نوآوری است و در خصوص قانونی بودن تشکیل آن نیز ابهاماتی وجود دارد. به گفته یکی از نمایندگان مجلس به نوبنیاد، مبنای تشکیل این جلسه سلیقه شخصی رئیس مجلس است. البته نقد قابل توجه دیگری که به «جلسه شورای هماهنگی مجلس با محوریت رئیس مجلس» وارد است. موضوع کنار رفتن ۲۷۶ نماینده ملت از رکن فرآیند تصمیم‌گیری هاست.

یادداشت

تجمعات شبانه بزرگترین مؤلفه برای بسط ید ولی فقیه

سیدمرتضی موسوی نژاد
فعال سیاسی

در بیان رهبر شهید انقلاب اسلامی «مدیریت انقلاب، غیر از مدیریت اجرایی کشور است. برای رهبری، وارد شدن در میدان اولاً به صورت طرح مسأله و بسیج افکار عمومی است؛ ثانیاً به صورت خواستن از دستگاه‌های اجرائی است.» بر این اساس ولی فقیه مدیریت انقلاب اسلامی را برعهده دارد. اگر ولی فقیه پشتوانه مردمی داشته باشد بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی مرسوم در جهان می‌تواند منافع ملی را تأمین کند.

در شرایط کنونی (باهمه مشکلات ناشی از شرایط نه جنگ و نه صلح و تورم ۶۰ درصدی)، تجمعات شبانه بزرگترین مؤلفه برای گسترش ید ولی فقیه شده است و سطح بالایی از مشروعیت مردمی را برای ایشان رقم زده است. در این تجمعات و به صورت کلی همه ملت باید به‌نحوی عمل کنند، شعار دهند و بنویسند که در مقابل دشمن و از سویی دیگر در مقابل مسئولی که دچار خطای محاسباتی شده است، نظر ولی فقیه اعمال شود.

ما ملت مبعوث، مسئولی را که دچار خطای محاسباتی شده است را خائن یا سازش‌گر نباید بدانیم و در نظلمان اصلاً مهم نیست علت خطای محاسباتی او چیست، به خصوص تا زمانی که ولی فقیه امر به اعتماد به او می‌کند. ما ملت مبعوث صرفاً به دنبال تقویت نظر ولی فقیه هستیم. نظری که تجربیات نزدیک به نیم قرن انقلاب اسلامی آن را اثبات کرده و می‌کند. تجربیاتی که نشان می‌دهد اعتماد به آمریکا چه ضربات کاری به کشور وارد کرده است.

گرچه اطلاعات متقن خبر از تلاش دشمن برای حذف فیزیکی یا رسانه‌ای نخبگان محل رجوع مردم می‌دهد و لکن خود این نخبگان با تبعیت از ولی امر مسلمین، اولین عامل در حفظ جایگاه خود در جهت یاد شده هستند.

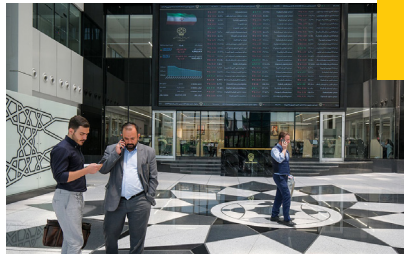
بر این اساس، اگر مسئول، سیاستمدار، خبرنگار، یادداشت‌نویس، تحلیل‌گر و...، بیشتر از این که تمام توانش را بگذارد علی‌الاصول را تبیین کند، نظر مخالف ۱۲ عضو شعام را توجیه و تفسیر کند و درست جلوه دهد، قطعاً او در عمل به دنبال بسط ید ولی فقیه نیست، چه بداند، چه نداند. بحث در اینجا بر سرتسویه حساب سیاسی نیست. بحث بر سر این است که کسانی که تا همین لحظه همچنان در حال توجیه نظر مخالف هستند، همچنان هم دغدغه بسط ید ولی فقیه ندارند.

خبر کوتاه

برای یافتن حفره‌های امنیتی به کارشناسان دور و بر خود نگاه کنید!

بهادری جهرمی سخنگوی دولت سیزدهم در واکنش به گرانی بی‌ضابطه و بی‌برنامه اخیر بنزین در حساب کاربری خود نوشت: برخی همزمان تلاش می‌کنند: -نرخ نفت و سوخت در آمریکا افزایش پیدا نکند- نرخ بنزین در ایران افزایش پیدا کند- امارات در جنگ مورد صدمه قرار نگیرد و صادرات نفت آن متوقف نشود. برای یافتن حفره‌های امنیتی نیاز نیست خیلی دور بروید، به همین کارشناس نماهای دور و بر خود نگاه کنید!

بورس کانال ۶ میلیون واحد را فتح می‌کند؟



بازار سهام هفته گذشته نیز روند صعودی داشت؛ به‌طوری‌که شاخص کل بورس تهران، به‌عنوان نماگر این بازار، برای نخستین بار در تاریخ توانست کانال ۵۰۷ میلیون واحد را فتح کند. شاخص کل از محدوده ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار واحد به ۵ میلیون و

۷۳۶ هزار واحد رسید که رشد ۶۰۱ درصدی در هفته گذشته را نشان می‌دهد. بازدهی نماگر اصلی بازار از ابتدای سال تاکنون به ۵۴ درصد رسیده است. حقیقی‌ها در هفته گذشته حدود ۶ هزار و ۶۸۴ میلیارد تومان پول وارد بازار کردند. فعالان بورس می‌گویند با توجه به تداوم ورود نقدینگی در کنار رشد ارزش معاملات، انتظار می‌رود روند صعودی بازار سهام ادامه‌دار باشد؛ البته این روند می‌تواند با اصلاح قیمتی و زمانی همراه شود. میانگین ارزش معاملات خرد بازارها در هفته گذشته حدود ۳۹ هزار میلیارد تومان بود.

فاطمه اکبری، کارشناس بازار سرمایه، می‌گوید: آنچه شرایط فعلی بازار سهام را متفاوت می‌کند، فقط رشد شاخص نیست؛ ورود پول حقیقی، افزایش

تعداد نمادهای مثبت و رشد هم‌زمان صنایع مختلف نشان می‌دهد تقاضا در بازار نسبتاً فراگیر شده است. او در پاسخ به این سؤال که آیا این روند می‌تواند شاخص بورس را به کانال ۶ میلیون واحد برساند؟ گفت: به‌نظر من بازار هنوز از نظر ارزش‌گذاری حرف برای گفتن دارد؛ یکی از دلایلی که می‌تواند از ادامه روند صعودی حمایت کند، وضعیت ارزش‌گذاری بازار است. نسبت P/E بازار در محدوده ۶۰ قرار دارد؛ سطحی که در مقایسه با برخی دوره‌های تاریخی رونق بورس، همچنان بالا محسوب نمی‌شود. البته P/E پایین به تنهایی به معنای ارزندگی قطعی نیست. نرخ سود بانکی، چشم‌انداز سود شرکت‌ها و ریسک‌های سیاسی همچنان در تعیین ارزش واقعی سهام نقش تعیین‌کننده دارند.

نوبنیاد از پشت‌پرده‌های بنزینی و راه‌حل ای ناترازی گزارش می‌دهد؛

آمار مخدوش درباره ناترازی بنزین

دولت مسعود پزشکیان روز ۱۵ آذر سال گذشته تصمیم بنزینی خود را اجرا کرد که طبق آن، این فرآورده سه‌نرخ شد؛ به‌طوری‌که سهمیه اول، ۶۰ لیتر بنزین با نرخ ۱۵۰۰ تومان، سهمیه دوم، ۱۰۰ لیتر با نرخ ۳۰۰۰ تومان و استفاده از کارت جایگاه با نرخ ۵۰۰۰ تومان بود. در پایان سال گذشته، میزان سهمیه دوم به ۷۰ لیتر و در تیرماه امسال به ۵۰ لیتر کاهش یافت. طبق این تصمیم، به خودروهای نوشماره دیگر سهمیه بنزین اول و دوم تعلق نمی‌گیرد و باید با نرخ سوم سوخت‌گیری کنند. با این حال، مسئولان دولت چهاردهم طی یک سال اخیر بارها ارقام متفاوتی درباره نیاز کشور به واردات بنزین و ناترازی این فرآورده مطرح کرده‌اند.

مسئله است. پروژه در شهریور ۱۴۰۰ و در آغاز به‌کار دولت سیزدهم، حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد پیشرفت داشت. پیشرفت پالایشگاه مهر خلیج فارس در ابتدای سال ۱۴۰۲ به ۵۷ درصد رسیده بود. در دولت شهید رئیسی، مجموعه نیروهای مسلح برای تکمیل این پالایشگاه از دولت درخواست کمک داشتند تا پروژه به بهره‌برداری برسد. در مرداد سال ۱۴۰۲، جلسه‌ای در دفتر ریاست جمهوری با حضور شهید آیت‌الله رئیسی، مسئولان ارشد نیروهای مسلح و مسئولان وقت وزارت نفت برگزار شد. شهید رئیسی در آن جلسه تأکید کردند که باید برای تکمیل پالایشگاه، تسهیلاتی به میزان ۵۰۰ میلیون یورو، معادل نفت خام، اختصاص یابد. خوشبختانه این رقم با ارائه اصلاحیه به مجلس، در بودجه سال ۱۴۰۲ وارد و اختصاص یافت و تا پایان سال ۱۴۰۲، دولت معادل ۵۰۰ میلیون یورو نفت خام برای این مورد به نیروهای مسلح تحویل داد.

طبق بررسی‌های نوبنیاد، با تکمیل این پروژه، ظرفیت تولید روزانه بنزین کشور حدود ۱۳ میلیون لیتر بیشتر خواهد شد. بخشی از تولید آن به محصولات گازی مربوط است و در کنار آن، حدود ۳۰ محصول پتروشیمی نیز تولید خواهد شد. این مجموعه به‌عنوان نخستین پتروپالایشگاه کشور معرفی می‌شود؛ مجموعه‌ای که هم فرآورده‌های پالایشی و هم محصولات پتروشیمی تولید می‌کند؛ یعنی این پتروپالایشگاه نمونه‌ای از تلفیق پالایشگاه و پتروشیمی در کشور است.

نیروهای مسلح در همان جلسه قول دادند که با تأمین مالی و کمک دولت، این پالایشگاه در نیمه دوم سال ۱۴۰۳ به بهره‌برداری برسد. مجری وقت پروژه، آقای موسوی، نیز در این زمینه حضور داشت. طبق بررسی‌های نوبنیاد، پیشرفت پالایشگاه مهر خلیج فارس بیش از ۹۵ درصد است و با کمک دولت فعلی، طی چهار یا پنج ماه می‌تواند به بهره‌برداری برسد.

در چنین شرایطی، دولت باید از فرصت استفاده کند و برای تکمیل پروژه در کنار ستاد کل نیروهای مسلح قرار گیرد. دولت در حالی بر طبل گرانی بنزین می‌کوبد که شرایط معیشتی و اقتصادی مردم، به

بارها اعلام کرده است که برای واردات بنزین به حدود ۵ تا ۶ میلیارد دلار منابع نیاز است و این پرسش را مطرح می‌کند که این پول از کجا باید تأمین شود. هم‌زمان، این استدلال را مطرح می‌کند که باید منابع را به کالاهای اساسی اختصاص داد و از سوی دیگر، می‌گویند در شرایط «محاصره»، امکان واردات بنزین نیز با محدودیت روبه‌رو است. دولت این مسئله را به‌شکلی مطرح می‌کند که افکار عمومی تصور کند منابع کالاهای اساسی باید صرف خرید بنزین شود. استدلال مطرح‌شده این است که اگر امکان واردات بنزین وجود ندارد و هزینه آن نیز تأمین‌شدنی نیست، باید قیمت بنزین گران شود تا مصرف‌کاهش پیدا کند و نیاز به پرداخت ۶ میلیارد دلار برای واردات نیز از بین برود. دولت با طرح این روایت‌ها، افزایش قیمت بنزین را به‌عنوان راه‌حل مطرح می‌کند؛ در حالی که کارشناسان هشدار می‌دهند گران‌کردن بنزین می‌تواند کشور را دچار آشفته‌گی کند. دلسوزان هشدار می‌دهند که افزایش قیمت بنزین در این مقطع زمانی می‌تواند حادثه ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه را تکرار کند.

راهکار حل ناترازی بنزین در کوتاه‌مدت

خوراک پالایشگاه ستاره خلیج فارس از عسلویه تأمین می‌شود و برای انتقال آن، خط لوله‌ای ۳۶ اینچی به طول حدود ۳۸۰ کیلومتر احداث شده است. قرارگاه خاتم‌الانبیا در ساخت این پالایشگاه نقش داشته است. خوراک روزانه پالایشگاه ستاره خلیج فارس ۴۸۰ هزار بشکه میعانات گازی است. بخشی از سهام این پالایشگاه، حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد، متعلق به صندوق بازنشت‌گذاری صنعت نفت و مابقی متعلق به ستاد کل نیروهای مسلح است. در اواخر دولت حسن روحانی تصمیم گرفته شد پالایشگاه دیگری در کنار پالایشگاه ستاره خلیج فارس ساخته شود؛ پالایشگاهی بانام «مهر خلیج فارس» که بتواند از خوراک بخشی از یوتیلیتی‌های ستاره خلیج فارس استفاده کند. ظرفیت این پالایشگاه جدید ۱۲۰ هزار بشکه در روز در نظر گرفته شده و سهام آن نیز متعلق به ستاد کل نیروهای



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار

بنزین وارداتی از کجا می‌آید؟

طبق بررسی‌های نوبنیاد، بخش عمده‌ای از واردات بنزین، حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد، از مسیرهای شمالی ایران انجام می‌شود؛ یعنی از کشورهای روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، ترکیه، ارمنستان، عراق، پاکستان و جمهوری آذربایجان واردات انجام می‌شد. این محموله‌ها از طریق کشتی به شمال کشور می‌رسیدند و سپس از راه زمینی در داخل کشور توزیع می‌شدند. هرچند وضعیت واردات از روسیه، به دلیل ممنوعیت صادرات از سوی روس‌ها، تا حدی دشوارتر شده است، اما مسیرهای قزاقستان، ترکمنستان، ترکیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان در این موضوع نقش دارند.

دلیل سیاست‌های ارزی دولت، به‌خصوص تصمیمات دی‌ماه سال گذشته، در وضعیت بدی قرار دارد. میزان ذخایر بنزین در شرایط کنونی حدود ۷۵۰ تا ۸۰۰ میلیون لیتر است. اگر دولت نتواند واردات انجام دهد، باید روزانه حدود ۱۰ میلیون لیتر از این ذخیره وجود برداشت کند. تا زمانی که این ذخیره وجود دارد، دولت باید با بسیج امکانات، از این «فرصت طلایی» برای تکمیل پتروپالایشگاه مهر خلیج فارس استفاده کند. وقتی یک پروژه به حدود ۹۵ درصد پیشرفت رسیده است، دیگر نیازمند سرمایه‌گذاری سنگین نیست و با کمک سریع دستگاه‌ها و بسیج امکانات موجود در پالایشگاه‌های دیگر می‌توان آن را به پایان رساند. این پالایشگاه می‌تواند در زمستان امسال به بهره‌برداری برسد و روزانه ۱۳ میلیون لیتر بنزین به تولید کشور اضافه کند؛ در نتیجه، نیاز به واردات کاهش می‌یابد و دولت ناچار نیست از «محاصره» و ضرورت واردات بنزین سخن بگوید.

دولت جقدر برای واردات بنزین پول پرداخت می‌کند؟

برخلاف ادعای پرداخت ۶ میلیارد دلار برای بنزین، در عمل پول نقدی برای واردات بنزین پرداخت نمی‌شود. حدود سه میلیارد دلار از این رقم از مسیر «تهارت با نفت» تأمین می‌شود؛ یعنی نفت خام تحویل داده می‌شود و در مقابل، بنزین دریافت می‌شود. تهاتر نفت با بنزین در دولت‌های مختلف وجود داشته و موضوع تازه‌ای نیست. در هیچ دوره‌ای پول نقد برای بنزین پرداخت نشده است و سه میلیارد دلار دیگر از ۶ میلیارد دلار نیز با دریافت ریفرمیت از پتروشیمی‌ها تأمین می‌شود.

در این سازوکار، میعانات گازی یا نفتا به پتروشیمی‌ها داده می‌شود و در ازای آن، ریفرمیت دریافت می‌شود؛ در نتیجه، ۶ میلیارد دلار به معنای پرداخت پول نیست، بلکه بخشی از آن تهاتر نفت با بنزین و بخش دیگر تهاتر میعانات با نفتا با ریفرمیت در پتروشیمی‌ها است؛ یعنی دولت حتی یک سنت هم پرداخت نمی‌کند. مسئله اصلی این است که دولت باید امکانات خود را برای تکمیل پتروپالایشگاه مهر خلیج فارس بسیج کند تا این پروژه سریع‌تر افتتاح شود، نیاز کشور به واردات بنزین حذف شود و این فرآورده گران نشود تا فشار معیشتی به مردم وارد نشود.

در این وضعیت، نه هزینه اضافه‌ای از کشور خارج می‌شود و نه نفت بیشتری صرف واردات بنزین خواهد شد. صادرات نفت کشور به دلیل محاصره کاهش پیدا کرده است و امکان صادرات بخشی از نفت وجود ندارد؛ به همین دلیل، میزان تولید نفت کشورمان روزانه حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه کاهش یافته است. در این شرایط، کاهش تولید و بستن چاه‌ها یا مخازن نفتی می‌تواند به مخازن آسیب بزند. به جای کاهش تولید نفت، می‌توان در چارچوب سازوکار تهاتر نفت با بنزین، هم مانع افت تولید شد و هم بخشی از نیاز بنزین را تأمین کرد.

روایت‌ها از بنزین ۸۷ هزار تومانی کرمان تا سه سناریو نشان می‌دهد؛

بنزین گرفتاری بی‌برنامگی

ماجرای عرضه بنزین با قیمت ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان در کرمان و توقف آن تنها چند ساعت پس از اعلام رسمی، بیش از آنکه یک تصمیم اقتصادی روشن باشد، تصویری از آشفتگی در فرایند تصمیم‌گیری دولت چهاردهم ارائه کرد. از یک

سو مسئولان استانی از اجرای طرح جدید خبر می‌دهند، کارت‌های جایگاه‌ها آماده می‌شوند و برای بنزین بدون یارانه نرخ تعیین می‌شود؛ از سوی دیگر، چند ساعت بعد دولت اعلام کرد که چنین تصمیمی گرفته نشده است.



هادی هدایت زاده

روزنامه نگار

ماجرای بنزین در کرمان را نمی‌توان صرفاً یک اتفاق استانی دانست. این ماجرا اگرچه بنا بر توضیحات مسئولان، طرحی منطقه‌ای و با هدف مقابله با قاچاق بنزین با کارت‌های جایگاه بوده، اما نحوه اعلام و توقف آن بار دیگر ضعف جدی دولت در سیاست‌گذاری و اطلاع‌رسانی را نمایان کرد. در شرایطی که کوچک‌ترین خبر درباره بنزین می‌تواند انتظارات تومری را تغییر دهد، نمی‌توان یک سیاست حساس را بدون اطلاع‌رسانی دقیق و هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول به مرحله اجرا رساند و سپس چند ساعت بعد آن را متوقف کرد؛ آن هم در شرایطی که پزشک‌های وعده داده بود بدون اطلاع‌رسانی با مردم تصمیمی اجرا نخواهد شد.

بنزین ۸۷ هزار تومانی؛ از اعلام تا توقف

براساس اعلام استانداری کرمان قرار بود از باسداد پنجشنبه ۲۱ مرداد، عرضه بنزین با نرخ پالایشگاهی یعنی ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان در ۲۰۴ جایگاه استان آغاز شود. علی اصغر ذاکری‌هرندی معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار کرمان اظهار کرد: بر اساس مصوبات ملی، در استان کرمان علاوه بر ۱۱۰ لیتر بنزین سهمیه ملی (۶۰ لیتر سهمیه اول و ۵۰ لیتر سهمیه دوم)، ۴۰ لیتر سهمیه استانی نیز در نظر گرفته شده است. طبق گفته او، ۴۰ لیتر بنزین سهمیه استانی در دو مرحله و به صورت دو سهمیه ۲۰ لیتری شارژ می‌شود که سهمیه دوم پس از تمام سهمیه اول به افراد اختصاص می‌یابد.

اما هنوز چند ساعت از اعلام این خبر نگذشته بود که احمد سالاری فرمدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه کرمان از توقف اجرای طرح خبر داد و گفت: اجرای این طرح فعلاً متوقف شده است. تا اطلاع ثانوی، فرآیند عرضه بنزین در جایگاه‌های سوخت استان مطابق روال پیشین ادامه خواهد داشت. استاندار کرمان نیز اعلام کرد هیچ تغییری در نرخ بنزین رخ نداده است. محمد علی طالبی تأکید کرد طرح عرضه بنزین با نرخ پالایشگاهی در استان اجرا نشده و روند توزیع سوخت مطابق روال گذشته ادامه خواهد یافت. به گفته او، کارت‌های جایگاه حذف شده و به جای آن ۴۰ لیتر بنزین با نرخ ۵ هزار تومان به کارت سوخت شهروندان اضافه شده است.

بعدها توضیح داده شد که منشأ طرح کرمان، تصمیمات شورای تأمین و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در استان بوده است. براساس این روایت، کارت‌های آزاد جایگاه‌ها بخش قابل توجهی از سهمیه سوخت را به سمت قاچاق هدایت می‌کردند و استانداری تصمیم گرفته بود این کارت‌ها

را جمع‌آوری کند. در مقابل، ۴۰ لیتر سهمیه استانی با نرخ ۵ هزار تومان به کارت شخصی شهروندان اختصاص داده شد و برای افرادی که نیاز بیشتری داشتند، عرضه بنزین با نرخ پالایشگاهی در نظر گرفته شد.

یک طرح و چندین ابهام

اینجاست که سخنان اسماعیل سقاب اصفهانی، معاون پزشک‌های و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، اهمیت پیدا می‌کند. او در گفت‌وگو ویژه خبری تلویزیون اعلام کرد اجرای تغییر قیمت بنزین در کرمان به دلیل برخی بی‌تدبیری‌ها متوقف شده است. او همچنین تأکید کرد رئیس‌جمهور دستور داد از اقداماتی که مردم را غافل‌گیری کند، پرهیز شود. اما همین اظهارات یک سؤال جدی ایجاد می‌کند. اگر تصمیم کرمان ناشی از بی‌تدبیری بوده، چرا دستگاه‌های مختلف دولت از آن اطلاع داشتند؟ چگونه برای اجرای طرح در بیش از ۲۰۰ جایگاه برنامه‌ریزی شده بود؟ چگونه سهمیه‌های جدید تعریف و کارت‌های جایگاه‌ها آماده شده بود؟ و اگر هیچ تصمیم نهایی برای تغییر قیمت وجود نداشت، اساساً چرا چنین طرحی به مرحله اجرا نزدیک شد؟

اعداد و ارقام معاون پزشک‌های از جانش بنزینی

سقاب اصفهانی در بخش دیگری از سخنان خود اعدادی درباره وضعیت بنزین کشور ارائه کرد. به گفته او، مصرف روزانه بنزین حدود ۱۳۵ میلیون لیتر است، در حالی که پالایشگاه‌های کشور حدود ۱۱۲ میلیون لیتر تولید دارند و حدود ۹ میلیون لیتر نیاز از محصولات پتروشیمی تأمین می‌شود. برای جبران کسری نیز حدود ۱۴ میلیون لیتر در روز یا وارد می‌شود یا از ذخایر راهبردی برداشت می‌شود. او هزینه واردات بنزین در سال جاری را حدود ۴۰۵ میلیارد دلار اعلام کرد. اصل این هشدار قابل انکار نیست. مصرف بنزین در ایران بالا رفته است؛ اما سؤال این است که چرا در برابر این ناترازی، نخستین و جدی‌ترین گزینه‌های مطرح شده از سوی دولت عمدتاً حول قیمت و محدودیت مصرف می‌چرخد؟

خود سقاب اصفهانی می‌گوید: حدود نیمی از شکاف مصرف به خودروهایی غیراستاندارد بازمی‌گردد و بخشی دیگر نیز به ترافیک، خودروهای تک‌سرنشین و ناکارآمدی حمل‌ونقل مربوط است. بنابراین اگر دولت واقعاً می‌خواهد ناترازی را حل کند، باید سراغ ریشه‌های مصرف بالا برود. نمی‌توان سال‌ها خودروهای پرمصرف تولید کرد، حمل‌ونقل عمومی را توسعه نداد، ترافیک را افزایش داد و در نهایت هزینه همه این ناکارآمدی‌ها را از مصرف‌کننده دریافت کرد. در همین نقطه، یکی از عجیب‌ترین

بخش‌های سخنان رئیس سازمان بهینه‌سازی مطرح می‌شود؛ جایی که او برای توضیح یکی از سناریوهای دولت، بنزین را به «صف شیر» تشبیه می‌کند. او می‌گوید در این سناریو حدود ۱۲۰ میلیون لیتر بنزین در جایگاه‌ها توزیع می‌شود و تا زمانی که بنزین وجود داشته باشد، مردم می‌توانند سوخت‌گیری کنند و پس از تمام شدن بنزین، جایگاه تعطیل خواهد شد. این تشبیه شاید در یک گفت‌وگو تلویزیونی ساده و قابل فهم باشد، اما برای سیاست‌گذاری اقتصادی کشوری با بیش از ۱۳۵ میلیون لیتر مصرف روزانه، بسیار نگران‌کننده است. بنزین «شیر» نیست که اگر فردی دیر رسید، فقط خودش ضرر کند. بنزین سوخت حمل‌ونقل، تولید، توزیع کالا، خدمات‌امدادی، سفر، تاکسی، کامیون و بخش بزرگی از فعالیت اقتصادی کشور است.

اگر پمپ بنزین‌ها در میانه روز به دلیل اتمام سهمیه بسته شوند، پیامد آن فقط نرسیدن چند خودرو به سوخت نیست. صف‌های طولانی، ازدحام، اتلاف وقت، افزایش ترافیک، ایجاد بازار سیاه و فشار بر حمل‌ونقل کالا می‌تواند نتیجه چنین سیاستی باشد. ضمن اینکه این مدل به شکل عجیبی مردم را تشویق می‌کند که برای اطمینان از دریافت بنزین، زودتر به جایگاه مراجعه کنند؛ یعنی دقیقاً برخلاف هدف مدیریت مصرف، ممکن است تقاضای لحظه‌ای را تشدید کند.

تکذیب سناریوی قیمتی هم‌زمان با تأیید

مشکل دیگر در سخنان سقاب اصفهانی، فاصله میان نفی افزایش قیمت و تأیید وجود سناریوهای قیمتی است. او از یک طرف می‌گوید هیچ تصمیمی برای افزایش قیمت بنزین گرفته نشده و اعداد ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان یا ۲۳ هزار تومان واقعی نیستند، اما از سوی دیگر تأکید می‌کند دولت سه برنامه جدی روی میز دارد، در روزهای پایانی تصمیم‌گیری است و یکی از سناریوها افزایش تدریجی قیمت است. این یعنی مسئله افزایش قیمت، برخلاف برخی اظهارات او، منتفی نیست. صرفاً هنوز عدد نهایی و سازوکار آن تصویب نشده است. این مسئله زمانی جدی‌تری می‌شود که تجربه سیاست‌های اقتصادی اخیر دولت چهاردهم را کنار این ماجرا قرار دهیم. سیاست ارزی و حرکت به سمت تک‌نرخ‌شدن ارز با شعار حذف رانت آغاز شد، اما آثار تورمی آن بر زندگی مردم و افزایش هزینه کالاها اساسی همچنان محل بحث است. اکنون همان نگاه قیمت‌محور در حوزه انرژی در حال ظهور است؛ گویی برای هرناترازی، نخستین سؤال این است که «قیمت را چقدر افزایش دهیم؟»

صدای مدافع آزادسازی هم درآمد

حتی مسعود

نیلی مشاور حسن

روحانی رئیس

دولت یازدهم

و دوازدهم، از

مدافعان قدیمی

اصلاح قیمت

حامل‌های انرژی،

در شرایط فعلی

نسبت به شتاب

در آزادسازی

قیمت انرژی

هشدار داده و بر

حرکت «ملایم‌تر»

تأکید کرده است.

این هشدار نشان

می‌دهد مسئله

فقط مخالفت

سیاسی با افزایش

قیمت نیست؛

حتی از منظر

اقتصادی نیز

زمان‌بندی، شیوه

اجرا و شرایط

اجتماعی اصلاح

قیمت‌ها اهمیت

حیاتی دارد.

موج خبر

سفر اربعین معیار حذف کالا برگ؟!

براساس مصوبه دولت پرداخت کالا برگ به هر ایرانی ساکن کشور اختصاص پیدا می‌کند؛ یعنی شرط اصلی پرداخت آن، مقیم بودن در کشور است. طی روزهای اخیر، برخی سرپرستان خانوار پیامکی دریافت کرده‌اند که در آن اعلام شده وضعیت اقامت یکی از اعضای خانوار «نیازمند بررسی و احراز» است و در صورت مراجعه نکردن تا پایان شهریور ۱۴۰۵، پرداخت کالا برگ آن فرد متوقف خواهد شد. ماجرا از جایی حساس‌تر شد که برخی دریافت‌کنندگان این پیامک، افرادی هستند که صرفاً برای سفر کوتاه‌مدت از کشور خارج شده‌اند؛ از جمله زائرانی که در مراسم اربعین به عراق سفر کرده و به کشور بازگشته‌اند؛ البته این پیامک برای برخی افرادی که امسال در پیاده روی اربعین نبوده‌اند نیز ارسال شده است. اگر دولت می‌خواهد کالا برگ را فقط به افراد ساکن کشور اختصاص دهد، باید بتواند میان «اقامت در خارج» و «سفر موقت» تفاوت بگذارد. تبدیل یک خروج ثبت‌شده از کشور به نشانه اقامت، بدون اطمینان از ثبت ورود، عملاً شهروند را بدهکار یک خطای اطلاعاتی می‌کند.

در این ماجرا، اظهارات متفاوت مسئولان نیز بر ابهام افزوده است. در روایت اولیه‌ای که از سوی معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر شد، مشکل به اطلاعات ورود و خروج نسبت داده شد. یعقوب اندایش گفت: فراجا هر سال اطلاعات ورود و خروج را در اختیار وزارت رفاه می‌گذارد و چون کالا برگ برای افراد حاضر در کشور در نظر گرفته شده است، این داده‌ها مبنای به‌روزرسانی قرار می‌گیرد. او افزود: در برخی پرونده‌ها فقط «اطلاعات خروج» ثبت شده و «اطلاعات ورود» در سامانه درج نشده، در حالی که ورود افراد در گذرنامه مهر خورده است. اما بعد، ورق برگشت؛ فراجا اعلام کرد ادعای ارتباط قطع کالا برگ با نقص اطلاعات پلیس، بی‌اساس و فاقد استناد است و تأکید کرد: تخصیص یا قطع کالا برگ اساساً در حوزه مأموریتی پلیس نیست.

پرسش ساده اما اساسی این است که دقیقاً چه داده‌ای مبنای ارسال این پیامک‌ها بوده است. این پرسش‌ها زمانی جدی‌تری می‌شود که دولت از خانوارها می‌خواهد برای رفع مشکل، خودشان به دفاتر پیشخوان مراجعه کنند. به گفته معاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مقرر شده احراز سکونت در ایران این هموطنان، ابتدا براساس خود اظهاری انجام و بعد مجدد، اطلاع‌رسانی شود. هموطنانی که در خصوص کالا برگ، پیامک احراز سکونت دریافت کردند تا اطلاع بعدی به دفاتر پیشخوان دولت مراجعه نکنند.

البته وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد افرادی که پیامک احراز سکونت دریافت کرده‌اند و مشکل دسترسی به دفاتر پیشخوان دولت دارند تا پنجم شهریورماه، صرفاً دو اقدام را انجام دهند. نخست با استفاده از خط موبایل متعلق به سرپرست خانوار کد دستوری *۱۴۶۳*۵۰۰۰۰۰ را شماره گیری کرده و پس از ارسال کد ملی سرپرست خانوار، کد ملی تک تک اعضای خانوار که پیامک احراز دریافت کرده‌اند را ثبت کرد و متعهد شوند که ایشان در کشور حضور دارند. راه دوم این است که سرپرست خانوار اگر آخرین محل سکونت خانواده را در سامانه ملی املاک و اسکان ثبت نکرده، به صورت خود اظهاری و اینترنتی تا آخر مرداد محل سکونت و حساب شخصی خود را در سامانه ملی املاک و اسکان کشور تکمیل کند. پس از دو اقدام فوق و تأیید سامانه املاک و اسکان، شارژ مرداد کالا برگ این افراد در پنجم شهریور پرداخت می‌شود.

این مدل، از منظر حکمرانی داده قابل نقد است؛ نباید هزینه ناکارآمدی اتصال پایگاه‌های اطلاعاتی دولت از جیب شهروند پرداخت شود. از سوی دیگر خبرگزاری فارس می‌نویسد: عدد سه میلیون نفر که در برخی گزارش‌ها به عنوان برآورد غیررسمی افراد مقیم خارج اما همچنان حاضر در فهرست یارانه‌ها مطرح شده، تاکنون رقم رسمی اعلام شده‌ای نیست و نباید مبنای تحلیل قرار گیرد. اتفاقاً نبود آمار شفاف درباره تعداد افرادی که پیامک احراز سکونت دریافت کرده‌اند، یکی از ضعف‌های اصلی اطلاع‌رسانی در این پرونده است.

بین الملل

خبرنگار صهیونیست: آمریکا در حال سیلی خوردن از ایران در کوچه‌ای تاریک است

یک کانال عبری اعلام کرد آمریکایی‌ها متحمل ضربات سختی از جانب ایرانی‌ها می‌شوند اما آن را پنهان می‌کنند. کانال ۱۵ تلویزیون رژیم صهیونیستی در گزارشی اعلام کرد آمریکایی‌ها متحمل ضربات سختی از جانب ایرانی‌ها می‌شوند و خسارات سنگینی به آنها وارد می‌شود اما آن را مخفی می‌کنند. این دلیلی بردست برتر ایران و ضعف آمریکا است. «تسفی یحزکلی»، خبرنگار کانال ۱۵ تلویزیون رژیم صهیونیستی گفت: آمریکایی‌ها در معرض حملاتی در تمام پایگاه‌هایشان قرار گرفتند اما همواره این حملات و خسارت‌ها را مخفی می‌کنند تا ملزم به پاسخگویی نباشند. وی افزود: این شبیه این است که تو در یک کوچه تاریک سیلی خورده‌ای و کسی تو را ندیده است و نمی‌روی که به دیگران خبر دهی که چه اتفاقی افتاده است. گویی هیچ اتفاقی رخ نداده است.

پیش از این رسانه‌های عبری اعلام کردند، جنگ علیه ایران در تاریخ به عنوان سخت‌ترین شکست راهبردی برای آمریکا و رژیم صهیونیستی ثبت خواهد شد. آمریکا در حالی از این جنگ خارج شده که مورد تمسخر و حقارت قرار گرفته است. شکست کنونی آمریکا شدیدتر از شکستش در ویتنام است.



افشای ابعاد تازه فرسودگی ماشین جنگی آمریکا در جنگ با ایران

آبراهام لینکلن، ناتوان در جنگ فرسایشی

ناو هواپیما بر آبراهام لینکلن که قرار بود نماد قدرت دریایی آمریکا در جنگ علیه ایران باشد، اکنون به یکی از نشانه‌های فرسودگی ماشین جنگی این کشور تبدیل شده است. ناوی که بیش از ۲۰۰ روز بدون توقف در دریا مانده و گزارش‌ها از کمبود مواد غذایی و اقلام ضروری، مشکلات بهداشتی، خرابی تجهیزات و فشار شدید روانی بر خدمه آن حکایت دارد. تا جایی که شماری از ملوانان اقدام به خودکشی و پریدن از عرشه کرده‌اند.

نشود. عبارتی که اگر صحت آن تأیید شود، به خوبی عمق بحران روحی در این ناو را نشان می‌دهد. این وضعیت البته واکنش سیاسی در واشنگتن را نیز به دنبال داشته است. «ریچارد بلومنتال»، سناتور آمریکایی، ضمن هشدار درباره کمبود تجهیزات، مشکلات آب و فاضلاب، آلودگی آب، وضعیت روانی نیروها و اختلال در ارسال بسته‌های پستی، از پنتاگون خواسته است درباره ضرورت ادامه مأموریت لینکلن و تأثیر آن بر آمادگی نیروها پاسخ دهد. در سوی دیگر، پیت هگزت، وزیر جنگ آمریکا، تلاش کرده این گزارش‌ها را تحریف شده توصیف کند و مدعی شده است که نیروی دریایی همه امکانات لازم را در اختیار خدمه قرار می‌دهد. اما چاک شومر، عضو ارشد مجلس سنای آمریکا نیز با تکذیب هگزت خواستار اخراج فوری او شد. شومر در صفحه خود نوشت که وقتی پیت هگزت نامزد (تصدی این سمت) شد، همه می‌دانستند که او مطلقاً بی‌کفایت است. اکنون ملوانان شجاع ما تاوان این بی‌کفایتی را به شکلی سهمگین و غیرقابل باور می‌پردازند.

تناقض میان تبلیغات پنتاگون و واقعیت‌های منتشرشده از داخل ناو، قابل تأمل است. آمریکایی‌ها که سال‌ها ناوهای هواپیما بر خود را نماد قدرت بلامنازع دریایی معرفی می‌کرد، اکنون با ناوی مواجه است که خدمه آن از کمبود ابتدایی‌ترین امکانات و فرسودگی روانی شکایت دارند و حتی گزارش‌هایی از تلاش برای خودکشی منتشر شده است. در واقع، ما مجرای لینکلن تنها داستان مشکلات یک ناو نیست. نشانه‌ای از هزینه‌های جنگی است که واشنگتن می‌کوشد آن را پشت نمایش قدرت نظامی پنهان کند.

هفت ماهه در دریای چین جنوبی داشته باشد، اما در ماه ژانویه به دریای عرب منتقل شد و در ادامه در عملیات نظامی آمریکا علیه ایران به کار گرفته شد. مأموریتی که قرار بود موقتی باشد، عملاً به استقراری فرسایشی و نامعلوم تبدیل شده است.

گزارش‌های منتشر شده درباره وضعیت داخلی ناو نیز تکان دهنده است. «مایک لوین»، نماینده دموکرات کالیفرنیا، از دوش‌های کپک‌زده، توالت‌های خراب، نبود آب گرم برای هفته‌ها و کمبود اقلامی مانند صابون، خمیردندان و مواد بهداشتی خبر داده است. حتی گفته شده برخی وعده‌های غذایی به نیم‌فنجان برنج و دو نان محدود شده است. اما روایت یک ملوان که پیام‌های او توسط روزنامه‌نگار آمریکایی، آرون پارناس، منتشر شده، تصویر تلخ‌تری ارائه می‌کند. این ملوان گفته است خدمه سه ماه است حتی شیر ندیده‌اند و به جز گوشت منجمد، غذای تازه بسیار محدودی دریافت می‌کنند. چراکه برخی محموله‌های غذایی در مسیر طولانی تدارکاتی فاسد می‌شوند. او مأموریت کنونی را بدترین مأموریت ممکن توصیف کرده و از تمدی‌های پی‌درپی حضور در دریا و دوری طولانی از خانواده‌ها به شدت ابراز ناراضی کرده است.

در همین حال، بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای خانواده خدمه هفته گذشته با سرپرست وزارت نیروی دریایی آمریکا دیدار کردند تا درباره وضعیت عزیزانشان اعتراض کنند. یکی از خانواده‌ها حتی از دریافت پیامی خبر داده که در آن یک ملوان گفته بود امیدوار است روز بعد از خواب بیدار

USS Abraham Lincoln sailors tried to jump overboard amid extended deployment - reports

Aircraft carrier's crew in ninth month at sea and has spent record 250 days consecutively without making land



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

بلکه به عنوان نمادی از فرسودگی و فشار ناشی از جنگ و مأموریت‌های طولانی مدت خبرساز شده است. گزارش روزنامه نیویورک پست از شرایط وخیم این ناو، ابعاد تازه‌ای از هزینه‌های پنهان حضور نظامی آمریکا در منطقه را آشکار کرده است. براساس این گزارش، دست‌کم دو ملوان ناو لینکلن در جریان مأموریت طولانی مدت خود تلاش کرده‌اند از عرشه به دریا بپرند و یک نفر نیز در اوایل ماه اوت واقعاً به آب افتاده، اما به سرعت نجات داده شده است. خانواده‌های برخی خدمه نیز از وضعیت روحی بسیار نامناسب آنان سخن گفته‌اند. وضعیتی که نشان می‌دهد فشار مأموریت تنها به خستگی جسمی محدود نمانده و به مرحله فرسایش روانی نیروها رسیده است.

ماجرای زمانی جدی‌تری می‌شود که بدانیم این ناو از بیش از ۲۰۰ روز پیش هیچ توقفی در بندر نداشته و بنا بر گزارش‌ها، رکورد طولانی‌ترین حضور متوالی یک ناو هواپیما بر آمریکایی در دریا را شکسته است. لینکلن در ابتدا قرار بود مأموریتی

سناتور آمریکایی: هگزت بی‌کفایت است

بعد از آنکه پیت هگزت، وزیر جنگ آمریکا گزارش‌های رسانه‌ای درباره وضعیت وخیم در ناو هواپیما بر آبراهام لینکلن را تکذیب کرد چاک شومر، عضو ارشد مجلس سنای آمریکا خواستار اخراج فوری او شد و گفت که وقتی پیت هگزت نامزد (تصدی این سمت) شد، همه می‌دانستند که او مطلقاً بی‌کفایت است. اکنون ملوانان شجاع ما تاوان این بی‌کفایتی را به شکلی سهمگین و غیرقابل باور می‌پردازند.

یادداشت

کامیون غذا، آخرین پناهگاه ترامپ

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

احتمالاً کسی تصور نمی‌کرد کار به جایی برسد که رئیس‌جمهور آمریکا برای فرار از تهدید، از ایرفورس وان پیاده شود، سوار کامیون حمل غذا شود و با هواپیمای دیگری از کشور فرار کند. اما ترامپ نشان داد که در دنیای پراز دشمنی که خودش برای آمریکا ساخته، حتی آرامش هم دیگر سهم او نیست. ظاهراً باید هر شب پیش از خواب، علاوه بر بالش و پتو، مسیر فرار اضطراری‌اش را هم چک کند!

ماجرای آنجا آغاز شد که پس از نشست ناتو در ترکیه، گزارش واشنگتن پست فاش کرد تهدیدی که مقامات آمریکایی آن را فوری ارزیابی کرده بودند، باعث شد برای خروج ترامپ از ترکیه یک عملیات عجیب و غریب طراحی شود. ترامپ ابتدا جلوی دوربین‌ها سوار ایرفورس وان قدیمی شد تا همه خیال کنند رئیس‌جمهور همان جاست. اما چند دقیقه بعد، سناریوی فیلم‌های جاسوسی کلید خورد. ترامپ و چند نفر از همراهانش مخفیانه سوار کامیون خدمات پذیرایی شدند و از آنجا به یک هواپیمای نظامی کوچک‌تر منتقل شدند.

سخت‌گوی کاخ سفید هم برای توجیه این اقدام گفت دشمنان زیادی آمریکا را هدف گرفته‌اند و واشنگتن از «تمام ابزارهای موجود» برای مقابله با تهدیدها استفاده می‌کند. البته ظاهراً یکی از همین ابزارها کامیون حمل غذا بوده است!

خلاصه اینکه ترامپ در سفر به ترکیه از یک هواپیمای مجلل پیاده شد، به ایرفورس وان رفت، از آنجا به کامیون غذا منتقل شد و سرانجام با یک هواپیمای کوچک‌تر گریخت. یک سفر هوایی که بیش‌تر به بازی موش و گربه شبیه بود تا سفر رئیس‌جمهور آمریکا! فضای مجازی هم طبق معمول دست به کار شد. تصاویر طنز و ساخته‌شده با هوش مصنوعی، ترامپ را درون کامیون غذا و حتی در موقعیت‌های عجیب‌تر به تصویر کشیدند. که این موضوع محدود به رسانه‌های ایرانی نماند و کشورهای مختلف ماجرا را به سوزهای برای تمسخر تبدیل کردند.

اما پشت این طنز، یک واقعیت تلخ برای ترامپ وجود دارد: رئیس‌جمهوری که زمانی مدعی بود همه باید از آمریکا بترسند، حالا خودش باید از سایه تهدید بترسد. از این پس ظاهراً برای ترامپ خواب راحت هم یک کالای لوکس و دست نیافتنی خواهد بود. کالایی که حتی سرویس مخفی هم تضمین نمی‌کند!

ترامپ شاید بتواند از یک هواپیما به هواپیمای دیگر، از آنجا به کامیون غذا و از کامیون به یک پایگاه نظامی منتقل شود اما از یک چیز نمی‌تواند فرار کند: ترس که سیاست‌های جنگ طلبانه آمریکا به جان خودش انداخته است. شاید برای ترامپی که همواره به دنبال خودنمایی با غرور و یا به دنبال جایزه صلح نوبل است، تصویر جابجایی او با کامیون حمل غذا بسیار شکننده و دردناک باشد.

یادداشت

ثمرات بازدارندگی اتمی
برای ایرانامیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

هر روز بر شمار کارشناسان و محافل علمی و راهبردی جهان که درباره پیامدهای دو جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران بر نظام عدم اشاعه هسته‌ای هشدار می‌دهند، افزوده می‌شود. نقطه مشترک این هشدارها آن است که حمله نظامی و تهدید مستمر، برخلاف هدف اعلامی غرب، می‌تواند ایران را به این جمع بندی برساند که برای جلوگیری از تکرار حملات، به بازدارندگی هسته‌ای نیاز دارد. این گزاره اکنون از سطح تحلیل‌های مخالفان واشنگتن فراتر رفته و به یکی از بحث‌های جدی در محافل آمریکایی، غربی و حتی اسرائیلی تبدیل شده است.

تازه‌ترین نمونه، گزارش مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IISS) است که تصریح می‌کند حتی اگر ایران تصمیم به ساخت بمب بگیرد، این تصمیم لزوماً غیرعقلانی نخواهد بود. استدلال این اندیشکده روشن است: ایران سرنوشت عراق و لیبی را دیده و دو جنگ بزرگ را تجربه کرده است. بنابراین ممکن است رهبران ایران به این نتیجه برسند که بازدارندگی هسته‌ای برای بقای کشور ضروری است.

این تحلیل البته نمونه‌ای از یک فهرست بلندبالاست. از لاوروف و روبیو تا مرشایمر، راب مالی و دنی سیتزینویچ و حتی برخی چهره‌های اسرائیلی، درباره نقش بازدارندگی هسته‌ای در محاسبات امنیتی کشورها سخن گفته‌اند و حتی ترامپ از لزوم و اجبار احترام به ایران هسته‌ای سخن گفت. زلنسکی نیز در تحلیل رفتار قدرت‌ها بر اهمیت بازدارندگی هسته‌ای تأکید کرده است. بنابراین مسئله دیگر این نیست که «آیا بازدارندگی هسته‌ای اثر دارد یا نه»

در چنین شرایطی، عجیب است که در داخل ایران همچنان جریانی اصرار دارد نسخه‌ای را تجویز کند که نتیجه عملی آن کاهش مؤلفه‌های قدرت کشور است.

از سعدآباد تا برجرام، هر بار ایران اکثریت ظرفیت خود را محدود کرد، طرف مقابل نه تنها تضمین امنیتی پایدار ارائه نکرد، بلکه در مقاطعی با خلف وعده، تحریم و در نهایت خروج از توافق و در پایان جنگ هزینه سنگینی به کشور تحمیل کرد. با این حال، شایدهای برجرامی همچنان همان نسخه را با ادبیات تازه تکرار می‌کنند؛ گویی تجربه ۲۳ سال گذشته اساساً وجود نداشته است.

مسئله از اینجا جدی‌تر می‌شود که کمتر کسی در ادبیات علمی روابط بین‌الملل در جهان، اصل اثرگذاری بازدارندگی اتمی را انکار می‌کند. حتی بسیاری از کارشناسانی که عادی‌سازی روابط را مطلوب می‌دانند، معتقدند ابتدا باید تهدید امنیتی کشور با ایجاد بازدارندگی مؤثر اتمی خنثی شود و سپس عادی‌سازی دنبال شود. اما نگاه برجرامی و نهضت آزادی‌مسلك، مسیر معکوس را پیشنهاد می‌کند: ابتدا کاهش قدرت برای جلب رضایت غرب و جلوگیری از خشم غرب و سپس انتظار امنیت از همان طرفی که بارها پیمان شکسته است.

فریبی که پیروزی
تاریخی ایران را
نابود خواهد کرد

بحران پاتریوت، کسری نفت، فشار بر پایگاه‌های آمریکا و آشکار شدن ظرفیت‌های تنگه هرمز و باب‌المندب نشان می‌دهد هزینه‌های جنگ برای واشنگتن و متحدانش افزایش یافته است. اما پیروزی زمانی معنا پیدا می‌کند که تثبیت شود. اگر تفاهمی مشابه اسلام‌آباد بار دیگر به ابزار خرید زمان برای آمریکا تبدیل شود، ممکن است ایران با دستاوردی بزرگ از میدان نظامی خارج شود، اما فرصت بازاریابی را به دشمن واگذارد کرده باشد.

نگاهی به تنگنای نفتی پدافندی آمریکا و افزایش دوباره زمزمه‌های مذاکره

پیروزی در میدان؛ آزمون در سیاست

پاتریوت تا فشار کم‌سابقه بر بازار نفت. با این حال، درست در همین نقطه زمزمه‌های تفاهم و مذاکره دوباره شنیده می‌شود؛ گویی قرار است فرصت ازدست‌رفته دشمن، با دست خود ایران بازسازی شود.

پس از ۳۹ روز نبرد در موج نخست جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و ۱۷ روز درگیری در موج دوم، نشانه‌های متعددی از فرسایش توان تهاجمی و دفاعی دشمن منتشر شده است؛ از بحران موشک‌های رهگیر



تحلیل جالب مرشایمر

اظهارات جان مرشایمر، نظریه‌پرداز آمریکایی، در اینجا قابل تأمل است: «هر ایرانی که فکر می‌کند اگر خواسته‌هایش متعادل‌تر باشد می‌تواند با آمریکایی‌ها به توافق دست یابد، عقلش را از دست داده است.» این جمله از زبان یک منتقد یا تحلیلگر ایرانی اعترافی از دل دستگاه فکری واقع‌گرای آمریکایی و از یکی از پراجاع‌ترین اساتید روابط بین‌الملل در جهان است. پیام آن روشن است: مسئله واشنگتن صرفاً سطح مطالبات ایران نیست؛ مسئله، قدرت ایران و توانایی آن برای ایستادن در برابر فشار است.

با این حال، پس از آنکه پوچی و فریب تفاهم اسلام‌آباد آشکار شد، شنیدن سخنان برخی مسئولان که همچنان از آن تفاهم با ادبیاتی مثبت یاد می‌کنند، جای سؤال جدی دارد. اینکه پزشک‌های عراقی و دیگر افراد دخیل بار دیگر بالحنی سخن بگویند که گویی تجربه اسلام‌آباد دستاوردی قابل دفاع بوده، نیازمند پاسخ روشن است. حتی در روزهای ابتدایی، محمدباقر قالیباف با همان ذوق زدگی همیشگی، تفاهم را «سند شکست آمریکا» معرفی کرد؛ حال آنکه نتیجه بعدی نشان داد نباید هر توقف موقت دشمن را شکست راهبردی و تلقی کرد. مسئله امروز دقیقاً همین است: ایران دست برتر را دارد، اما این دست برتر نباید با ساده‌اندیشی سیاسی از دست برود. با فعال شدن کارت باب‌المندب و هدف قرار گرفتن پایگاه‌های عراقی عربستان از سوی انصارالحقین، فشار بر جبهه غربی و رژیم صهیونیستی افزایش یافته و با هدف قرار گرفتن پایگاه‌های آمریکایی در منطقه طی موج دوم جنگ، هزینه حضور مستقیم واشنگتن نیز بالا رفته است. بنابراین، راهبرد درست در این نقطه، «خریدن زمان برای دشمن» نیست؛ بلکه استفاده از زمان برای تثبیت دستاوردها، تقویت بازدارندگی، بازسازی توان اقتصادی و نظامی و تحمیل هزینه‌های جدید بر طرف مقابل است.

حدود ۱۰۸ میلیون بشکه در روز برسد؛ رقمی بیش از دو برابر برآوردهای قبلی. همزمان، مذاکرات ایران و آمریکا درباره تنگه هرمز پیشرفت محسوسی نداشته و چشم‌انداز پایان پایدار درگیری همچنان مبهم است. این یعنی فشار نظامی، انرژی و پدافندی به‌صورت همزمان بر محاسبات غرب اثر گذاشته است. از سوی دیگری نیز باز شدن جبهه جدید در دریای سرخ و از سمت یمن فشار نظامی را بر متحدان آمریکا در منطقه افزایش داده است.

لزم تثبیت پیروزی نظامی

در چنین شرایطی، بسیاری از کارشناسان بین‌المللی معتقدند آمریکا و اسرائیل حتی به اهداف ابتدایی خود نیز دست نیافته‌اند. ذخایر هسته‌ای ایران از بین نرفت، توان موشکی و پهپادی کشور منهدم نشد، ساختار حاکمیت فروپاشید و مهم‌تر از همه، ایران کارت تنگه هرمز را به عنوان یک اهرم راهبردی آشکار کرد. با این حال، یک نکته تعیین‌کننده وجود دارد: پیروزی نظامی تا زمانی که تثبیت نشود، الزاماً به پیروزی راهبردی تبدیل نمی‌شود.

اینجاست که سخن جدید سعید جلیلی اهمیت پیدا می‌کند: «دشمن که شکست خورد، تازه وقت ابتکار است.» این منطق، یک قاعده روشن در جنگ است. درسی که از جنگ احزاب نیز می‌توان گرفت همین است؛ پس از عقب‌نشینی دشمن، نباید اجازه داد او فرصت پیدا کند نیروها، تجهیزات، راهبرد و ائتلاف‌های خود را بازسازی کند و با دست پرت‌باز گردد. ابتکار پس از شکست دشمن، یعنی گرفتن فرصت بازاریابی از او.

اما اکنون درست در چنین نقطه‌ای، بار دیگر سخن از تفاهم اسلام‌آباد و رایزنی‌های جدید به میان آمده است. پرسش اساسی این است: اگر قرار باشد آمریکا از بحران نفتی و کمبود رهگیرها زمان بخرد، توان خود را بازسازی کند و برای دور جدیدی از فشار یا جنگ آماده شود، چه کسی از این «فرصت» سود خواهد برد؟

محسن فرهنگند

روزنامه‌نگار

در یک سو، گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی و محافل نظامی و استراتژیک در آمریکا از خسارت‌های سنگین وارد شده به آمریکا در جریان ۴۰ روز نبرد موج نخست و سپس ۱۷ روز حملات موج دوم حکایت دارد و در سوی دیگر، همزمان با آشکار شدن آثار این خسارت‌ها، بار دیگر زمزمه‌های یک «تفاهم» جدید شنیده می‌شود؛ تفاهمی که اگر قرار باشد تجربه شکست خورده اسلام‌آباد را تکرار کند، چیزی جز خرید زمان برای دشمن نخواهد بود. در همین راستا سفر مقامات پاکستانی و تماس‌های میانجی‌ها باردیگر افزایش یافته است.

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های این فرسایش، وضعیت ذخایر موشک‌های رهگیر پدافندی آمریکاست. نیویورک تایمز با استناد به دو منبع مطلع گزارش داده است که پنتاگون از آغاز جنگ بیش از هزار و ۵۰۰ موشک رهگیر پاتریوت مصرف کرده و اکنون کمتر از هزار و ۷۰۰ فروند در اختیار دارد. این در حالی است که آمریکا در سراسر سال ۲۰۲۵ حدود ۶۰۰ موشک رهگیر پاتریوت تولید کرده است. به بیان روشن‌تر، سرعت مصرف در میدان جنگ به مراتب بالاتر از ظرفیت بازسازی ذخایر بوده است. اهمیت ماجرا زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم در یکی از روزهای حملات ایران، ارتش آمریکا حدود ۵۰ موشک پاتریوت شلیک کرده؛ موشک‌هایی که ارزش هرفروند آنها حدود چهار میلیون دلار برآورد شده است. «ست گ. جونز» از مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی نیز تأکید کرده که استفاده همزمان ایران از موشک‌ها و پهپادها، کار سامانه‌های پدافندی آمریکا را دشوارتر کرده است.

آژانس بین‌المللی انرژی نیز درباره تشدید کمبود عرضه نفت هشدار داده و برآورد کرده است کسری بازار در سه ماهه جاری به

وضعیت گرانی کاغذ و کتاب می‌تواند بحران فرهنگی ایجاد کند

هشدار بابت حذف کتاب از سبد فرهنگی خانواده

تورم کاغذ، جهش قیمت پشت جلد، کاهش شمارگان و افت قدرت خرید خانوارهای کم‌درآمد، کتاب را از سبد فرهنگی طبقات فرودست و حتی بخشی از طبقه متوسط بیرون رانده و آن را به

کالایی لوکس تبدیل کرده است. اگر در سال‌های قبل، خانواده‌ها در کنار خوراک و پوشاک، هنوز برای کتاب هم جایی ولو کوچک باز می‌کردند، امروز کتاب نخستین قربانی تورم است.



محمد قربانی روزنامه‌نگار

آمارها نشان می‌دهد قیمت کاغذ تحریر در بازار ایران در ۱۴۰۴ نسبت به سال قبل ۱۱۲ درصد رشد کرده و برخی گزارش‌ها از عبور رشد سالانه کاغذ از ۹۰ درصد در ۱۴۰۳ خبر داده‌اند. در همین دوره، میانگین قیمت کتاب نیز طبق داده‌های رسمی نشر، در ۱۴۰۳ حدود ۳۴ تا ۴۱ درصد بالا رفته و در ماه‌های نخست ۱۴۰۴ نیز رشد‌های ۲۲ تا ۳۵ درصدی ثبت شده است. این جهش‌ها نشانه‌ای‌اند از عمیق‌تر شدن شکاف فرهنگی. وقتی کتاب از کالای عمومی به کالای لوکس بدل شود، نخستین قربانی آن نه ناشر است و نه کتابفروش؛ قربانی اصلی نسل‌هایی‌اند که دسترسی‌شان به کتاب از بین می‌رود.

داده‌های تازه نشان می‌دهد بحران کتاب در ایران وارد مرحله‌ای جدید شده است. در حوزه کاغذ، که ماده اولیه اصلی صنعت نشر است، بازار ۱۴۰۵ بسیار پرنوسان بوده. بنا بر گزارش‌های معتبر خبری، هر بند کاغذ تحریر ۷۰ گرم ۷۰ تا ۱۰۰ درصد در فروردین حدود ۴۰۲ میلیون تومان قیمت داشت؛ در اردیبهشت تا حدود ۶۰۲ میلیون تومان بالا رفت؛ در خرداد تا حدود ۴۰۷ میلیون تومان عقب نشست؛ و در مرداد دوباره به محدوده ۵۰۸ تا ۶۰۱ میلیون تومان رسید. این نوسان‌ها نشان می‌دهد که حتی وقتی کالا در بازار موجود است، نااطمینانی ارزی و رفتارهای سوداگرانه، قیمت را به سرعت بالا می‌کشد.

بازار کتاب ۱۴۰۵ با افت تولید و رشد قیمت همراه بوده است. در فروردین ۱۴۰۵، قیمت کتاب‌ها نسبت به فروردین ۱۴۰۴، ۶۲ درصد افزایش یافته و شمارگان ۱۴ درصد کاهش پیدا کرده است. همچنین عدد ۲۲۲ هزار تومان به عنوان میانگین قیمت کتاب‌های حوزه ادبیات آمده است.

اطلاعات رسمی‌تر معاونت فرهنگی وزارت ارشاد هم همین روند را تأیید می‌کند: در سه ماهه اول ۱۴۰۵، تعداد آثار ثبت‌شده در سامانه نشر به ۲۳۰۹۵۲ عنوان رسیده که در مقایسه با ۲۷۰۸۲۵ عنوان دوره مشابه

یادداشت

کلاغ در سفیدشویی

دست تاسیان را از پشت بست

مسعود حنیفی روزنامه‌نگار

«کلاغ» ساخته محمد حسین مهدویان با پایان قسمت یازدهم به آخر خط رسید. این اثر در ظاهر روایتی عاشقانه-سیاسی از سال‌های پایانی پیش از انقلاب بود، اما در باطن، پروژه‌ای حساب‌شده و هدفمند برای سفیدشویی ساواک و بازتولید روایت پهلوی از تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رفت. در همین ابتدا باید گفت که سریال عامدانه و با اطمینان کامل دروغ می‌گوید؛ دروغی که نه از سرغفلت یا ناآگاهی، که با طراحی دقیق دراماتیک و مهندسی روایت، شخصیت پردازی شده است! نقطه کانونی این سفیدشویی، شخصیت بهروزی است؛ ساواکی باسابقه‌ای که به جای جلاد و مأمور سرکوب، پدری دلسوز و نگران به تصویر کشیده می‌شود و برای نجات زندگی زناشویی دخترش شهناز، تمام تلاشش را می‌کند تا جلال را به آغوش خانواده بازگرداند و زندگی این زوج و بیجه‌هایشان را نجات دهد. تماشاگر قرار نیست با بهروزی همدلی کند، ولی دقیقاً همان اتفاق رقم می‌خورد. او نگران سرنوشت دخترش است و به همین خاطر از انگیزه کافی برای تبدیل شدن به پروتاگونیست ماجرا برخوردار است.

حتی زدن تیر خلاص به سایه که در ظاهر باید خشونت عریان ساواک را نشان دهد- در همین چرخه سفیدشویی تعریف و توجیه می‌شود. در واقع، این خشونت به گونه‌ای ست که در خدمت درام عاطفی قرار می‌گیرد و به جای افشای حقیقت مخاطب را به به تطایف و تطهیر آن سوق می‌دهد. در مقابل، جلال به عنوان شخصیت اصلی مرد، چنان منفعل و بی عمل نوشته شده که بیننده هیچ راهی برای همذات‌پنداری و همراهی با او ندارد.

این انفعال انتخابی و هدفمند است، یعنی وقتی قهرمان داستان ناتوان و فاقد اراده است، تماشاگر ناگزیر باید به سایه روشن‌های قدرت پناه برد و جماعت ساواکی را به خاطر تلاش‌شان برای برقراری نظم و امنیت ستایش کند. اما تاریخ در این میان حرف دیگری می‌زند. اداره سوم ساواک، واحدی بود که مسئول سرکوب سازمان یافته، شکنجه و ترور مخالفان رژیم شاه را برعهده داشت، به‌طوریکه نمی‌توان با بی‌اعتنایی از جانب آن عبور و دست‌پخت کارگردان مرد بازنده را بدون هیچ‌اما و اگر تاول کرد. القصه، کلاغ در این مسیر، از «تاسیان» نیز تندتر و بی‌پروا تر گام برمی‌دارد.

اگر آثار پیشین، دست‌کم در ظاهر روایت می‌خواستند بی‌طرفی را حفظ کنند و سعی می‌کردند فاصله‌ای میان خود و روایت رسمی حکومت پهلوی به وجود آورند، مهدویان بی‌پرده و بدون پرده پوشی سمت حکومت پهلوی می‌ایستد و از جایگاه کارگردان، وکیل مدافع ساواک می‌شود. این یک بیانیه سیاسی آشکار است؛ بیانیه‌ای که می‌خواهد حافظه جمعی ایرانیان را بازنویسی و جای جلاد و قربانی را در تاریخ معاصر عوض کند.

شبکه ورزش

نونوار می‌شود



شبکه ورزش سیما همزمان با ماه ربیع، از مجموعه برنامه‌های جدید و فصل تازه برنامه‌های پرتعداد خود رونمایی می‌کند. در میان آثار تازه‌وارد، ویژه برنامه ورزش بانوان با عنوان «زربین دخت»، «روی جلد»، مسابقه «برگردون»، «از فوتبال چه خبر» و «کاپیتان پلاس» بیش از دیگران چشم‌نوازی می‌کنند. برنامه‌های نام‌آشنای این شبکه نیز با تغییراتی در

فرم و محتوا به آنتن بازمی‌گردند. برنامه خبری «دست اول» با ماهیتی بصری‌تر و دکوری جدید ارائه می‌شود و فصل تازه «شب‌های فوتبالی»، «الذت فوتبال» و «کوه گشت» نیز در راستای جذب مخاطبان بیشتر بازطراحی شده‌اند. در کنار این تغییرات، شبکه ورزش از اواخر شهریورماه ویژه برنامه بازی‌های آسیایی ناگویا را با پوشش کامل کاروان ۳۰۹ نفره ایران روی آنتن می‌برد. این برنامه با پخش زنده رقابت‌ها، تحلیل مسابقات در استودیو تهران و ارتباط زنده با محل برگزاری مسابقات، یکی از شاخص‌ترین تولیدات این شبکه خواهد بود. نگاهی به ترکیب برنامه‌های جدید و بازطراحی‌شده نشان می‌دهد که شبکه ورزش تلاش کرده طیف گسترده‌ای از سلیقه‌های مخاطبان را پوشش دهد؛ از برنامه‌های تخصصی فوتبال داخلی و خارجی تا آثار خبری-تحلیلی، محتوای ورزش بانوان و تولیدات سرگرم‌کننده. این تنوع، گامی مؤثر در جهت ارتقای جایگاه شبکه ورزش در میان مخاطبان محسوب می‌شود.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سه‌پهلو، قرنیه خ شاداد، پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

■ nobonyadonline ■ nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ شنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۰۹

یادداشت

اسکار با قوانین جدید

به دنبال چیست؟

سعید مصباح منتقد سینما

با معرفی نمایندگان لیتوانی، ترکیه، کوزوو و اسلواکی، رقابت برای نودونهمین دوره جوایز اسکار رسماً وارد مرحله تازه‌ای شده است. «چگونه در طول جنگ طلاق بگیریم» از لیتوانی، «مثل یک درخت بی‌شاخه» از ترکیه، «دوا» از کوزوو و «سایل» از اسلواکی، جدیدترین فیلم‌هایی هستند که کشورهایشان برای رقابت بهترین فیلم بلند بین‌المللی معرفی کرده‌اند. اما یک تغییر مهم در مقررات امسال وجود دارد که می‌تواند معنای رقابت در این بخش را تغییر دهد.

آکادمی اسکار از امسال راه دیگری برای ورود فیلم‌های غیرانگلیسی‌زبان باز کرده است. بر اساس قانون جدید، فیلم‌هایی که جوایز مشخصی را در شش جشنواره کن، برلین، ونیز، ساندنس، تورنتو و بوسان به دست آورند، حتی بدون معرفی رسمی از سوی کشورشان، مستقیماً واجد شرایط رقابت اسکار می‌شوند.

در ظاهر، این تصمیم قرار است فیلم‌های شایسته را از قربانی شدن در انتخاب‌های داخلی کشورها نجات دهد؛ اما در عمل، آکادمی برای کنار زدن یک فیلتر، فیلتر قدرتمند دیگری ساخته است. از این پس موفقیت در چند جشنواره مشخص می‌تواند به منزله بلیت ورود به اسکار باشد.

مشکل مهم‌تر آنجاست که همه این جشنواره‌ها صرفاً محافلی برای داوری هنری نیستند. برخی از آنها در سال‌های اخیر آشکارا درگیر مناقشات سیاسی بوده‌اند و حتی تحت تأثیر فضای سیاسی کشورهای میزبان قرار گرفته‌اند. حاشیه‌های سیاسی اخیر جشنواره برلین نمونه روشنی از همین مسئله است؛ جایی که مواضع جشنواره درباره مسائل بین‌المللی و واکنش دولت آلمان به آن، به موضوعی جدی در خود جشنواره تبدیل شد. بنابراین، اعطای چنین اختیاری به جشنواره‌ها نوعی مداخله در سازوکار سینمای ملی کشورها نیز محسوب می‌شود. ممکن است کمیته‌ای در یک کشور فیلمی را به دلایل هنری یا سیاست فرهنگی خود انتخاب نکند، اما همان فیلم با دریافت یک جایزه در جشنواره‌ای خارجی، بدون عبور از فرآیند ملی، راه خود را به اسکار باز کند.

این قانون در نتیجه می‌تواند قدرت جشنواره‌های بزرگ را از مرجع اعتبار هنری به کاتالیزور اسکار ارتقا دهد؛ در حالی که سلیقه، مناسبات و حتی فضای سیاسی این جشنواره‌ها لزوماً با منافع، اولویت‌ها و سازوکارهای سینمای ملی کشورها یکسان نیست.

اسکار اگر می‌خواهد واقعاً نماینده سینمای جهان باشد، نباید برای حل مشکل انتخاب‌های ملی، اختیار تازه‌ای به چند جشنواره قدرتمند بدهد. این تغییر شاید یک انحصار را کم کند، اما در عوض می‌تواند انحصاری تازه بسازد؛ انحصاری که این بار نه در پایتخت‌های سینمایی کشورها، بلکه در چند جشنواره صاحب‌نفوذ جهان شکل می‌گیرد.